

ملاقات دو انقلابی، دو مرد تاریخ ساز

۶۱ سال پیش، در ۱۹ نوامبر ۱۹۶۰، برای اولین بار دو رهبر انقلابی آن زمان با هم در پکن دیدار کردند. ارنستو چه گوارا ۳۲ سال داشت و مانوتسه دون بیش از ۶۰ سال. فرمانده چه گوارا شیفته مانوتسه دون بود و رئیس جمهور مائو احترام زیادی برای چه و نوشته هایش قائل بود.

مائو و چه، هر دو در خانواده ای مرفه و متمول بدنیا آمده بودند، اما تمام عمر خود را وقف مبارزه علیه نابرابری های اجتماعی، برقراری نظامی عادلانه و تضمین شرایط زندگی بهتر برای اقشار زحمتکش جامعه نمودند. چه بیش از دو سال در کوهستان های سیرا ماسترا علیه نیروهای باتیستا جنگیده بود و مائو ۲۵ سال درگیر مبارزه سخت بود، مائو بیش از یک سال «راه پیمایی بزرگ» را در راه تصرف قدرت سیاسی بعمل آورده بود. در آغاز دهه ۶۰ میلادی، امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین یکه تازی می کرد و حکومت جوان انقلابی کوبا از بی توجهی آنها استفاده کرده و اقدام به ملی کردن و مصادره موسسات، اموال و زمین های متعلق به آمریکائیان نمود. تجاوز و لشکرکشی نظامی امپریالیستی، کوبا را تهدید می کرد و چه کاملاً بدین امر واقف بود. این تجاوز نظامی امپریالیستی یکسال بعد بوقوع پیوست.

در این دیدار مائو از چه با احترام بسیار در مورد وضعیت قاره آمریکا سؤال می کند. آنها حول تجارب، استراتژی ها، اشتباهات و آموخته هایشان گفتگو نمودند. این دو انقلابی دوران خود، هر کدام با یک دیکتاتور و مستبد در خدمت امپریالیسم آمریکا جنگیدند و تجارب بسیاری در این زمینه کسب کردند.

در طی این دیدار موضوعاتی چون اصلاحات ارضی، سیاست ملی کردن، اهمیت و نقش روستا، بارها مورد بحث قرار گرفتند. مائو به چه گوارای جوان تفاوت بین بورژوازی کمپرادور یا بورژوازی وابسته - بورژوازی که نقش

واسطه را در تجارت و تحمیل سیاست های امپریالیستی ایفاء می نماید - و بورژوازی ملی - که منافع اش در توسعه و پیشرفت اقتصاد ملی نهفته است - را توضیح می دهد. مائو سپس به چه توصیه می کند که در صدد نوعی همکاری با بورژوازی ملی باشند.

گذشت زمان حقایق دیگری را به اثبات رساند که موضوع بحث ما در این نوشته نیست. کوبای انقلابی همچنان مقاومت می کند ، چه، جاودانه شد و چین برخلاف انتظار مائو در مصاف با بورژوازی رنگ باخت ، اکنون به یک کشور سرمایه داری و رقیب بزرگ امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است. انگیزه ترجمه و نشر اینگونه آثار از جانب سازمان چریکهای فدایی خلق ایران باهدف آگاه کردن عموم از حقایق تاریخی، بویژه انقلابیونی است که در تکاپوی راهی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران پیکار می کنند.

گزارش دیدار

پرزیدنت مائو: نمایندگان خلق کوبا، به کشور ما خوش آمدید.

چه گوارا: ما از فرصت بدست آمده برای عرض سلام، شادباش و دیدار حضوری با شخص رئیس جمهور بسیار خوشوقتم. ما در مبارزه روزمره مان، همیشه احترام بسیاری به پرزیدنت مائو قائل بوده ایم. ما هیئت نمایندگی رسمی کوبا هستیم. هر چند که اعضای این هیئت در ۴ کشور مختلف بدنیا آمده اند.

پرزیدنت مائو: تو آرژانتینی هستی؟

چه گوارا: من در آرژانتین متولد شده ام.

پرزیدنت مائو: دیگر اعضای هیئت نمایندگی در کجا بدنیا آمده اند؟

چه گوارا: Ramiro Fernando رامیرو فرناندو یا رفیق مالدونادو - Mal-donado (دبیر کل حزب سوسیال - انقلابی اکوادور)، اکوادوری است. اقتصاددان آلبان Alban یا رفیق لاتاست Lataste شیلیایی است و من نیز

آرژانتینی هستم. بقیه اعضای هیئت نمایندگی متولد کوبا می باشند. با وجودی که تعدادی از ماها متولد کوبا نیستیم، اما خلق کوبا با آغوش باز ما را پذیرفته است. ما با تمام وجود برای انقلاب کوبا جنگیده و از آن دفاع کرده و می کنیم. فیدل کاسترو سمبل اراده تمام خلق های آمریکای لاتین می باشد.

پرزیدنت مائو: شماها انترناسیونالیست هستید؟

چه گوارا: انترناسیونالیست های آمریکای لاتین.

پرزیدنت مائو: خلق های آسیا، آفریقا و تمام اردوگاه سوسیالیسم از شما حمایت و پشتیبانی می کنند. سال گذشته شما از کشورهای آسیایی دیدن کردید، مگه نه؟

چه گوارا: بلی. از تعدادی کشورها چون هندوستان، تایلند، اندونزی، بیرمانی، پاکستان.

پرزیدنت مائو: به استثنای چین، شما از تمام کشورهای بزرگ آسیا دیدن کردید.

چه گوارا: به همین خاطرست که ما هم اکنون در کشور چین حضور داریم.

پرزیدنت مائو: به کشور ما، چین، خوش آمدید.

چه گوارا: برخلاف امروز، سال گذشته، زمانی که من کوبا را برای انجام یکسری سفرهای رسمی ترک کردم، وضعیت داخلی ما چندان تثبیت نشده بود و ما ناچار با جهان خارج بسیار محتاط عمل می کردیم. امروز، وضعیت داخلی باثبات و تثبیت شده است و ما عملاً، بسیار قاطع تر عمل می کنیم.

پرزیدنت مائو: امروز، در مقایسه با سال گذشته، وضعیت بین المللی بسیار بهتر می باشد.

چه گوارا: امروز ملت کوبا، ملتی متحد و یکپارچه است. اما هر روز، امپریالیستها تلاش دارند، با ایجاد تفرقه در بین مردم، این اتحاد را بشکنند.

پرزیدنت مائو: به غیر از توده های کارگر و دهقان، چه اقشار اجتماعی به

شما پیوسته اند؟

چه گوارا: حکومت ما نماینده کارگران و دهقانان می باشد. اما در عین حال، قشر کوچک خرده بورژوازی نیز وجود دارد که روابط دوستانه ای با ما داشته و با حکومت انقلابی همکاری می کند.

پرزیدنت مائو: آیا در کوبا بورژوازی ملی وجود دارد؟

چه گوارا: در کوبا، بورژوازی ملی در مجموع از وارد کنندگان کالا تشکیل می شد. منافع آنها با هزاران حلقه مرئی و نامرئی با منافع امپریالیسم پیوند خورده و ما بوده و می باشند. به همین خاطر ما آنها را در عرصه اقتصادی و سیاسی نابود کردیم.

پرزیدنت مائو: پس بنابراین آنها طبقه بورژوازی وابسته را تشکیل می دادند و نباید آنها را به عنوان بورژوازی ملی بحساب آورد.

چه گوارا: بعضی ها کاملاً به امپریالیسم وابسته بودند. امپریالیستها، سرمایه، فن آوری، اجازه نامه و بازار در اختیار آنها گذارده بودند. با وجودی که آنها در کشور خودشان زندگی می کردند، منافع شان با منافع امپریالیسم پیوند خورده بود. در این رابطه می توان به عنوان مثال به نقش تجار نیشکر اشاره نمود.

پرزیدنت مائو: تجار نیشکر؟

چه گوارا: بلی. امروز تمام بخش نیشکر ملی شده است.

پرزیدنت مائو: شما عملاً تمام سرمایه های آمریکایی را مصادره نموده اید.

چه گوارا: نه تماماً. شاید بخشی از سرمایه ها هنوز خلع مالکیت و مصادره نشده اند. اما این کاستی بدین خاطر نیست که ما نخواستیم یا نمی خواهیم آنها را مصادره کنیم.

پرزیدنت مائو: آیا شما بابت خلع مالکیت و مصادره، مبلغی به عنوان جبران خسارت پرداخت نمودید؟

چه گوارا: اگر یک موسسه نیشکر قبل از خلع مالکیت و مصادره بیش از ۳ میلیون تن از ما خریداری می کرد، ما مبلغی معادل ۵ تا ۲۵ درصد ارزش

نیشکر خریداری شده را به عنوان جبران خسارت به آنها پرداخت می کردیم. برای افرادی که با وضعیت کوبا آشنایی ندارند، درک و فهم این سیاست آسان نیست. تنها موسساتی که سالانه بیش از ۳ میلیون تن نیشکر خریداری می کردند، مبلغی به عنوان نوعی جبران خسارت دریافت کردند. اگر نمی خریدند، جبران خسارتی در کار نبود. در ضمن دو بانک نسبتاً مهم و بزرگ کانادایی در کوبا فعالیت دارند. در چارچوب منافع سیاست داخلی و خارجی کوبا، ما آنها را ملی نکردیم.

پرزیدنت مائو: در چارچوب منافع کشور و انقلاب، از زاویه استراتژیکی تحمل موقتی حضور بعضی موسسات امپریالیستی قابل درک و قبول است. هم اکنون در چین چند موسسه امپریالیستی فعالیت دارند.

نخست وزیر چوئن لای: در این رابطه به طور مشخص می توان به عنوان مثال به حضور سمبلیک بانک HSBC اشاره نمود.

چه گوارا: بانک های کانادایی در کوبا وضعیت مشابه بانک HSBC در اینجا را دارند.

پرزیدنت مائو: شما می باید کارگران و دهقانان را با هم متحد سازید (اکثریت مردم).

چه گوارا: تعدادی از اعضای بورژوازی از ما جدا و به جبهه دشمن پیوستند.

پرزیدنت مائو: آنهایی که به مخالفت با شما برخاستند، دشمنان شما بودند. کار شما در خصوص از بین بردن ضدانقلابیون فوق العاده بود.

چه گوارا: ضدانقلابیون بارها با توسل به خشونت دست به تجاوز زدند. در همین خصوص آنها بارها اقدام به اشغال نظامی چند جزیره نمودند که بلافاصله بدنبال عکس العمل قاطعانه ما منهدم شدند. در این خصوص جای نگرانی نیست. ما بعد از دستگیری شان، رهبرشان را تیرباران نمودیم. ایالات متحده آمریکا تأمین کننده تجهیزات آنها بود. این تجهیزات از طریق هوا برای ضدانقلابیون ارسال می شد.

پرزیدنت مائو: اگر اشتباه نکنم شما در ضمن چندین آمریکایی را نیز دستگیر

نمودید؟

چه گوارا: آنها بلافاصله محاکمه و تیرباران شدند.

نخست وزیر چوئن لای: در این خصوص دولت آمریکا اعتراض کرده و شما نیز جوابشان را دادید.

پرزیدنت مانو: در مقابل امپریالیسم و دشمن داخلی باید محکم و قاطع بود. شما افراد قاطع و محکمی هستید. همچنان محکم و قاطع باشید. این خصلت شما، امید انقلاب است و در مقابل چنین قاطعیتی، امپریالیسم با مشکل بزرگی روبه رو خواهد شد. اما اگر شما با شک و تردید عمل کنید و وارد زدوبند با آنها شوید، در چنین صورتی کار را برای امپریالیسم آسان خواهید کرد.

چه گوارا: در مرحله اول انقلاب، فیدل کاسترو برای حل مشکل مسکن، مصادره املاک و عمارات مالکان بزرگ را پیشنهاد نمود. این املاک بعد از مصادره در اختیار توده مردم بی خانمان قرار گرفتند. مالکان خانه های کوچک کمافی السابق حق مالکیت خود را حفظ نموده اند.

پرزیدنت مانو: و سپس؟

چه گوارا: ما هم اکنون در فاز دوم انقلاب بسر می بریم. این فاز شامل پایان دادن به پدیده استثمار انسان از انسان می باشد. در رابطه مستقیم با شرایط داخلی و بین المللی، ما با اتخاذ سیاست ریشه کن کردن بیسوادی و بیکاری (که در وضعیت اسفناکی قرار دارد)، توسعه بخش صنعتی و تقویت رفوم ارضی، برای تقویت و تحکیم پایه های اقتدار حکومت انقلابی تلاش می کنیم.

پرزیدنت مانو: احسن. اقدامات شما تأثیر بسزایی در آمریکای لاتین و حتی در آسیا و آفریقا داشته است. و تا زمانی که اقدامات و تلاش های شما در مسیر صحیح ادامه یابند، این تأثیر همچنان ادامه خواهد داشت.

چه گوارا: بخصوص در آمریکای لاتین.

پرزیدنت مانو: خرده بورژوازی و بورژوازی ملی آمریکای لاتین از سوسیالیسم ترس و واهمه دارند. طی دوره مشخص و تعریف شده ای شما نباید در عرصه انجام رفوم های اجتماعی شتابانه عمل کنید. شما با اتخاذ این سیاست، اعتماد خرده بورژوازی و بورژوازی ملی آمریکای لاتین را کسب و

آنها را با خود همراه خواهید ساخت. بعد از پیروزی، تمام موسسات چیانگ کای شک ملی اعلام شدند و تمام موسساتی که سابقا متعلق به آلمان، ایتالیا و ژاپن بودند، تحت مالکیت دولت جدید درآمدند. بدین ترتیب سهم دولت در سرمایه صنعتی به ۸۰ درصد افزایش یافت. با وجودی که سهم بورژوازی ملی در تمام سرمایه صنعتی تنها ۲۰ درصد بود، این قشر اجتماعی برای بیش از یک میلیون کارگر ایجاد اشتغال کرده و عملا تمام شبکه تجاری را در کنترل خود داشت. ۷ سال طول کشید تا ما توانستیم این مشکل را حل و رفع نمائیم. به امید حل این مشکل، ما برای آنها ایجاد اشتغال کردیم، حق خرید موسسات و حق مدیریت در موسسات دولتی - خصوصی و حق رأی را برای آنها تضمین نمودیم. این سیاست رضایت آنها را فراهم ساخت و در سطح بین المللی نیز انعکاس مثبتی داشت. بعد از اجرای این سیاست، هر چند که بورژوازی آسیایی کاملا راضی نشده بود، اما سیاست خرید سهام را به دیده مثبت می نگریست. مسئله پیشه وران شهری و خرده بورژوازی نیز از طریق ایجاد تعاونی ها به پیش برده می شد.

چه گوارا: ما باید از تجارب کشورهای دیگر و از جمله چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی استفاده و درس بگیریم. در خصوص بورژوازی، با امید بر این که آنها کشور را ترک نکنند، برای آنها کار و پول داده و با آنها با احترام رفتار کردیم. در ضمن ما حقوقی نیز برای تکنسین ها در نظر گرفتیم. سنتا، ما در کوبا صنایع دستی فعالی نداریم. بهمین خاطر با مشکلی مشابه مشکل شما روبه رو نیستیم. ما تمام بیکاران را در تعاونی ها سازماندهی نمودیم. تعاونی هایی که ایجاد کار و اشتغال را برای آنها تضمین می کنند.

پرزیدنت مائو: ایالات متحده علاقه مند و خواهان وجود و فعالیت بورژوازی ملی در کوبا نیست. البته این سیاست تنها مختص آنها نیست. ژاپنی ها در کره و شمال شرق چین (به عنوان مثال منچوری) و فرانسوی ها در ویتنام، چنین سیاستی را دنبال کردند. آنها به مردم بومی اجازه ساختن کارخانجات و مجتمع های بزرگ تولیدی را نمی دهند.

چه گوارا: در آمریکای لاتین نیز وضعیت مشابهی حاکم است. در آغاز برای از بین بردن نیروهای فئودالی، امپریالیسم از بورژوازی ملی حمایت و پشتیبانی نمود. بورژوازی ملی در عین حال می توانست عوارض گمرکی بالایی را بر کالاهای وارداتی وضع نماید. اما این جناح از بورژوازی هیچگاه در راستای منافع ملی تلاش و مبارزه نکود. به عبارت بهتر بورژوازی ملی با هزاران رشته مرئی و نامرئی با امپریالیسم پیوند داشته و هم پیمان بود.

پرزیدنت مانو: من یک سؤال دارم: صنایع فولاد و ذوب آهن برزیلی با سرمایه های آمریکایی زدوبند دارند؟

چه گوارا: عمده ترین و مهمترین کارخانجات ذوب آهن برزیل با سرمایه های آمریکایی احداث شده اند.

نخست وزیر چوئن لای: برزیل سالانه یک میلیون و ششصد هزار تن فولاد تولید می کند. درصد سرمایه گذاری آمریکا در صنایع ذوب آهن برزیل چه مقدار است؟

چه گوارا: کل سرمایه بزرگترین کارخانه ذوب آهن برزیل چندان روشن و مشخص نیست. در عرصه فن آوری، این مجتمع کاملا وابسته به ایالات متحده است. بوزیل کشور بزرگی است. اما اختلاف کیفی و بنیادینی بین این کشور و دیگر ممالک آمریکای لاتین وجود ندارد.

پرزیدنت مانو: من سؤال دیگری دارم. بین پیاده شدن شما در سواحل کوبا و پیروزی نظامی نهایی تان، بیش از دو سال طول کشید. آیا امکان این که کشور دیگری در آمریکای لاتین از مدل انقلاب کوبا نمونه برداری کند، وجود دارد یا نه؟

چه گوارا: پاسخ به سؤال شما چندان آسان نیست. شما تجربه بیشتری دارید. شما مسائل را بسیار جامع تر از ما دیده و ارزیابی می کنید. به عقیده من، در مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین، برای تدارک و براه انداختن انقلاب، کوبا با مشکلات بسیار مهم و سخت تری مواجه بود. اما فاکتور و عامل مساعد و بسیار مهمی در پیروزی ما دخیل بود: ما از غفلت امپریالیست ها

استفاده کردیم. امپریالیست ها نیروی آنچنانی برای مقابله با ما بسیج و متمرکز ننمودند. آنها تصور می کردند که بعد از پیروزی، فیدل از آنها طلب وام کرده و با آنها همکاری خواهد کرد. اما تدارک و شعله ور ساختن جنبش انقلابی و انقلاب در دیگر کشورهای آمریکای لاتین با خطری مشابه گواتمالا - که ایالات متحده اقدام به اعزام تفنگداران دریایی نمود - مواجه بوده و خواهد بود.

پرزیدنت مائو: آیا اختلافی در عرصه داخلی بین کشورهای مختلف آمریکای لاتین وجود دارد؟

چه گوارا: در عرصه سیاسی، بین ممالک مختلف آمریکای لاتین اختلاف بسیار وجود دارد. اما در عرصه اجتماعی، تمام این کشورها به دو یا سه بخش تقسیم می شوند. در سه کشور پاراگوئه، نیکاراگوئه و گواتمالا، مبارزه مسلحانه در حال شکل گیری و توسعه است.

پرزیدنت مائو: هم اکنون، ایالات متحده، اسلحه خود را به سوی نیکاراگوئه و گواتمالا نشانه گیری کرده است.

چه گوارا: در کلمبیا و پرو، امکان رشد جنبش بزرگ انقلابی توده ای فراهم و در حال شکل گیری و توسعه است.

پرزیدنت مائو: همان طور که گفتم، در پرو اکثریت مردم بدون زمین می باشند. در کلمبیا نیز همینطور.

چه گوارا: نمونه پرو بسیار جالب و قابل توجه است. در این کشور شکل و سنت کمونیسم ابتدایی همیشه حاکم بوده است. اسپانیایی ها در دوران حکمفرمایی شان در پرو، نظام برده داری و فئودالیسم را در این کشور رایج و برقرار نمودند. اما با وجود این، نظام کمونیسم ابتدایی همچنان به حیات خود در بین توده های مردم ادامه داد. و امروز نیز همچنان به حیات خود ادامه می دهد. در انتخابات اخیر، حزب کمونیست در منطقه CUZCO پیروز شد. این مبارزه (برای پیروزی انتخاباتی کمونیستی) با مبارزه نژادی پیوند دارد. مردم بومی سرخ پوست بسیاری در پرو زندگی می کنند. اما تنها سفیدپوستان و مردم دورگه می توانند صاحب زمین و از حق مالکیت بر زمین برخوردار باشند.

پرزیدنت مائو: مردمان بومی ۹ یا ۱۰ میلیون نفر می‌باشند. در حالی که کل جمعیت اسپانیایی ۱۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

چه‌گوارا: در خصوص این ارقام، شاید کمی اغراق شده باشد. جمعیت پرو ۱۲ میلیون نفر است. ۱۰ میلیون نفر از این جمعیت مردمان بومی و ۲ میلیون نفر بقیه سفید پوست می‌باشند.

پرزیدنت مائو: وضعیت پرو مشابه آفریقای جنوبی می‌باشد. ۳ میلیون بریتانیایی در آفریقای جنوبی ساکن هستند.

نخست وزیر چوئن لای: در آفریقای جنوبی، ۳ میلیون بریتانیایی، ۱ میلیون هلندی، ۱ میلیون دورگه، ۸ میلیون سیاهپوست و نیم میلیون هندی زندگی می‌کنند. مردمان سیاهپوست و هندی در شرایط بسیار اسفناک و فقیرانه ای بسر می‌برند. تنها مردم سفیدپوست از حق رأی برخوردارند.

چه‌گوارا: در پرو نظام برده داری همچنان حاکم است. زمین با افرادی که بر روی آن کار می‌کنند، خرید و فروش می‌شود.

نخست وزیر چوئن لای: سابقا ثبت نیز وضعیت مشابهی داشت.

چه‌گوارا: در مناطق دور افتاده این کشور، مردم در دادوستد بین خود از پول استفاده نمی‌کنند و فاکتور و رسیدی در معاملات صادر نمی‌شود.

پرزیدنت مائو: در کلمبیا وضعیت کمی متفاوت است مگه نه؟

چه‌گوارا: در کلمبیا فنودالیسم بسیار ضعیف می‌باشد. اما مذهب و کاتولیسیسم بسیار قوی هستند. مالکان بزرگ ارضی و کلیسای کاتولیک با ایالات متحده پیوند قوی و ارگانیکی دارند. بومیان بسیار فقیر بوده، اما برده نمی‌باشند. سابقا نیروهای چریکی در این کشور حضور فعالی داشتند. اما در شرایط فعلی از مبارزه و جنگ دست کشیده‌اند.

پرزیدنت مائو: آیا کوبا با دیگر کشورهای آمریکای لاتین روابط دیپلماتیک دارد؟

چه‌گوارا: کشورهای بسیاری با هم متحد شده و متفقا سیاست خصمانه ای علیه کوبا اتخاذ نموده‌اند. این کشورها عبارتند از: هائیتی، جمهوری دومینیکن و

گواتمالا، کلمبیا، السالوادور و هندوراس مشترکا از قبول سفیر کوبا سر باز زدند. برزیل سفیر خود را از کوبا به - دلیل دیگر - فرا خواند.

نخست وزیر چوئن لای: در مجموع ۷ کشور.

پرزیدنت مانو: به عبارت دیگر، کوبا با اکثر کشورهای آمریکای لاتین روابط دیپلماتیک دارد: ۱۹ کشور آمریکای لاتین منهای ۷ کشور. پس ۱۲ کشور.

چه گوارا: کوبا با ۳ کشور هائیتی، جمهوری دومینیکن و گواتمالا هیچگونه روابطی ندارد. در ۴ کشور کلمبیا، السالوادور، هندوراس و برزیل روابط در سطح سفیر نبوده و کوبا در این ممالک تنها کاردار دارد. برای کوبایی ها سفر کردن به برزیل مانند رفتن به آن سوی دیوار آهنین می باشد.

پرزیدنت مانو: مشخصات جنگ های فعلی در گواتمالا و نیکاراگوه چیست؟ این جنگ های پارتیزانی از حمایت توده ای برخوردارند؟

چه گوارا: من جواب دقیق و مشخصی به سؤال شما ندارم. من فکر می کنم که جنگ فعلی در گواتمالا جنگ خلقی می باشد، در حالیکه در نیکاراگوه این جنگ بسیار به جنگ های کلاسیک شباهت دارد. این دو کشور از کوبا فاصله جغرافیایی بسیاری دارند. من ایده مشخصی از جنگ های کنونی در این دو کشور ندارم. جواب من به سؤال شما، پاسخی کلی می باشد.

پرزیدنت مانو: آیا وقایع کنونی در گواتمالا با جاکوبو آربنز (گوزمن) در ارتباط می باشند؟

چه گوارا: در این خصوص، من فقط بیانیه صادره آربنز که قبل از سفرم به چین صادر شد را مطالعه کرده ام. جنبش و انقلاب فعلی در آنجا شاید ماهیتی توده ای داشته باشد.

پرزیدنت مانو: پس آربنز هم اکنون در کوبا می باشد.

چه گوارا: بلی. در کوبا است.

پرزیدنت مانو: او سفری به چین و اتحاد شوروی نیز داشت. وی فردی سمپاتیک است.

چه گوارا: ما به وی اعتماد داریم. او در گذشته مرتکب یکسری اشتباهات شد.

اما در مجموع وی فردی رک، قاطع و قابل اعتماد می باشد.

پرزیدنت مائو، هیئت نمایندگی کوبا را به صرف شام دعوت می نماید. گفتگو در حین صرف شام ادامه دارد

چه گوارا: دو مورد نسبتاً مشابه بین چین و کوبا وجود دارد که برایم بسیار جالب بود. زمانی که انقلاب شما شعله ور بود، حمله چیانگ کای شک علیه مواضع شما با واژه هایی چون محاصره و انهدام توصیف می شد. در خصوص انقلاب کوبا نیز مرتجعین از اصطلاحاتی مشابه علیه ما استفاده می کردند. به عبارت بهتر، استراتژی های آنها علیه انقلاب و انقلابیون یکسان بوده و می باشد.

پرزیدنت مائو: زمانی که باکتری خارجی و ویروسی وارد بدن شما می شود، بلافاصله گلوبول های سفید آنها را محاصره و نابود می سازند. چیانگ کای شک ما را ویروس خوانده و قصد انهدام ما را داشت. ما طی ۲۲ سال به طور دائم (بجز دو مقطع همکاری و جدایی که موجب طولانی شدن این دور زمانی شدند) با او درگیر بودیم. در طی اولین دور همکاری، ما مرتکب اشتباه شدیم (دنبال روی از اپورتونیزم راست). در آن مقطع زمانی، طیف راستی در درون حزب ما عرض اندام نمود. حاصل عرض اندام آنها، تضعیف و تصفیه حزب توسط چیانگ کای شک، اوج گیری مخالفت و دشمنی با کمونیسم، سرکوب با توسل به جنگ و درگیری بود. و همه این وقایع در طی دوره لشکرکشی به شمال صورت گرفت. دوره دوم که از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ طول کشید، دوره جنگ و درگیری بود. ما انتخابی بجز جنگ و درگیری نداشتیم. همانند باتیستا که هیچ انتخابی به جز جنگ و کشتار برای شما نگذاشته بود. چیانگ کای شک به ما و خلق چین آموخت که هیچ راهی به جز برداشتن اسلحه و جنگیدن وجود ندارد. باتیستا نیز نقش مشابهی را در مورد شما و خلق کوبا ایفاء نمود. هیچکدام از ما آشنایی با فنون جنگ و جنگیدن نداشته و در ضمن به هیچ وجه آمادگی نیز برای جنگیدن نداشتیم. من و شخص نخست وزیر روشنفکر هستیم، Li Xiannian (معاون نخست وزیر) کارگر بود. و

ما چه راه و انتخابی داشتیم؟ چیانگ تصمیم به انهدام ما گرفته بود.

پرزیدنت مائو بلند شده و پیشنهاد نمود گیلادی به سلامتی و پیروزی انقلاب خلقی کوبا و هم چنین تمام اعضای هیئت نمایندگی این کشور صرف نمایند.

پرزیدنت مائو: بالاخره جنگ آغاز شد. جنگی که دهها سال ادامه یافت. در طول این مدت، ما مناطق پشت جبهه را احداث و تقویت کرده، اما در عین حال سیاست های جناح اپورتونیسیم راست را دنبال نمودیم. و زمانی که سیاست ما به طرف چپ تغییر جهت داد، ما عملاً پشتیبانی و حمایت توده ای را از دست داده و ناچار به عقب نشینی در راه پیمایی بزرگ شدیم. ما از این اشتباهات درس های بسیار و تجارب فراوانی بدست آوردیم - در عمل ما مرتکب دو اشتباه مهم و اساسی شدیم، اپورتونیسیم راست و اپورتونیسیم چپ - . زمانی که ژاپن با چین وارد جنگ شد، ما مجدداً با چیانگ شروع به همکاری نمودیم. شما هیچگاه چنین نمونه ای را تجربه نکرده اید.

چه گوارا: نه خیر. ما خوشبختانه هیچگاه چنین موردی را تجربه نکرده ایم.

پرزیدنت مائو: شما هرگز با باتیستا همکاری نکردید.

چه گوارا: باتیستا تضادی با آمریکائیان نداشت.

پرزیدنت مائو: چیانگ کای شک سگ زنجیری بریتانیایی ها و آمریکائیان بود. زمانی که ژاپن، کشور ما چین را مورد حمله و تجاوز خود قرار داد، چیانگ با آنها به مقابله برخاست. در دوره سوم که ۸ سال بطول انجامید (۱۹۴۵ - ۱۹۳۷)، ما برای مقابله با تهاجم و شکست دادن ژاپنی ها، با چیانگ همکاری نمودیم. همکاری و نزدیکی ما با چیانگ علیه ژاپنی ها، سیاست درست و خوبی نبود. چرا که چیانگ نماینده بورژوازی وابسته و رابط این جناح بورژوازی با بریتانیای کبیر و ایالات متحده بود. در دوره چهارم و بعد از بیرون راندن ژاپنی ها، چیانگ ما را مورد حمله قرار داد. ما یکسال تمام در مقابل حملات آنها مقاومت کردیم. و سپس دست به ضدحمله زدیم. در

مجموع دور مقاومت و ضدحمله سه سال و نیم بطول انجامید. و در سال ۱۹۴۹ ما در تمام جبهه ها در مقابل چیانگ کای شک پیروز شدیم. چیانگ بعد از شکست به جزیره تایوان فرار نمود. شما منطقه ای مشابه جزیره تایوان ندارید.

نخست وزیر چوئن لای: شما جزیره ایسلا د لا خوبنتود را دارید. اما قبل از آن که باتیستا فرصت فرار کردن به آنجا را پیدا کند، شما آنجا را آزاد کرده بودید.

چه گوارا: خطر حمله و تجاوز نظامی آمریکا، همچنان کوبا را تهدید می کند.

نخست وزیر چوئن لای: معهذا آمریکائیان تلاش کردند به جزیره ایسلا د لا خوبنتود حمله کنند.

پرزیدنت مائو: بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا دشمن مشترک ماست، و همچنین دشمن مشترک تمام خلق های جهان. شماها خیلی جوانید.

چه گوارا: به جز فرمانده سونول Sunol، زمانی که اولین جرقه های انقلاب چین توسط شما زده شد، ما هنوز بدنیا نیآمده بودیم. فرمانده سونول ۳۵ سال دارد و مسن ترین عضو هیئت نمایندگی ما می باشد.

پرزیدنت مائو: در گذشته، ما برای پیروزی انقلاب جنگیدیم. امروز ما می باید برای ساختمان جامعه ای نو بجنگیم.

فرمانده سونول: برای دفاع از انقلاب.

چه گوارا: چین مورد مشترک دیگری نیز با کوبا دارد. در سند ارزیابی از وضعیت کنونی مربوط به کنگره حزب کمونیست چین (۱۹۴۵) آمده است: بعضی ها در مناطق شهری، بهای کمتری به نقش و اهمیت روستاها قائل بودند. مبارزه ما به دو بخش تقسیم می شد: بخش اول جنگ چریکی و پارتیزانی در مناطق کوهستانی و بخش دوم اعتصابات در مناطق شهری. افرادی که به اعتصابات شهری نقش و اهمیت بیشتری قائل بودند، عملا بهای کمتری به مبارزات پارتیزان های مناطق کوهستانی قائل می شدند. در نهایت، آنهایی که طرفدار سیاست اعتصابات شهری بودند، عملا شکست خوردند.

نخست وزیر چوئن لای: بسیار مشابه.

پرزیدنت مانو: حیف و میل کردن نیروها، نوعی ماجراجویی می باشد. تا زمانی که آنها قادر به درک، توجه و ارزیابی عمیق ارزش و نقش مبارزه در روستا نباشند، برای مردم مناطق شهری اتحاد و نزدیکی با دهقانان سهل و آسان نخواهد بود.

نخست وزیر چوئن لای: اخیراً من خلاصه مقاله ۵ اکتبر شما «بررسی ایدئولوژی انقلابی کوبا» و مسائل مبهم مطروحه را مطالعه کردم. بدین ترتیب می توانیم شما را یک متفکر و اندیشمند بحساب آوریم.

چه گوارا: من هنوز به مرحله و سطح یک اندیشمند و روشنفکر نرسیده ام.

پرزیدنت مانو: شما یک تحلیل گر و نظریه پرداز هستید. من هم خلاصه مقاله شما را مطالعه کرده و با تحلیل و نظرات شما کاملاً موافق هستم. یقیناً مقاله شما می تواند تأثیر بسزایی در آمریکای لاتین داشته باشد.

نخست وزیر چوئن لای: شما متن کامل آن را همراه دارید؟

چه گوارا: من سعی می کنم پیدایش کنم.

پرزیدنت مانو: شما در مقاله تان بر روی سه اصل تأکید نموده اید. توده های مردم می توانند بر مرتجعین پیروز شوند. برای شروع انقلاب نباید منتظر شد تا تمام شرایط مهیا و آماده شوند. و اصل سوم؟

چه گوارا: اصل سوم: در آمریکای لاتین، روستا، کانون اصلی جنبش می باشد.

نخست وزیر چوئن لای: پیوند دادن انقلاب به مناطق روستایی از اهمیت والایی برخوردار است.

چه گوارا: ما به این اصل بسیار پای بندیم.

نخست وزیر چوئن لای: بعضی از دوستان آمریکای لاتینی توجه و اهمیت لازم را به نقش دهقانان و روستائیان مبذول نمی دارند. شما به این مهم اهمیت داده و موفق شدید. در مورد انقلاب چین نیز وضع به همین منوال است: بسیاری به نقش دهقانان در انقلاب اهمیتی قائل نبودند. در حالیکه رفیق مانو

بر نقش دهقانان تأکید بسیار داشت.

پرزیدنت مانو: این واقعیت را دشمن به ما آموخت. در مناطق شهری، دشمن حق حیات را از ما سلب نموده بود. چنانگ قصد کشتن و نابودی همه ما را داشت. ما چاره دیگری نداشتیم.

چه گوارا: فیدل کاسترو در آثار پرزیدنت مانو شیوه برخورد با اسراء را بسیار جالب، حیاتی، پسندیده و مهم ارزیابی می کرد. ما در شروع کار به اهمیت این طرز رفتار: مداوای مجروحین و آزاد کردن شان، کاملاً واقف نبودیم.

پرزیدنت مانو: این طرز رفتار موجب ایجاد شکاف در صفوف دشمن می شود.

نخست وزیر چوئن لای: مقاله شما دقیقاً به این موضوع نیز می پردازد.

چه گوارا: این بخش بعداً به مقاله مذکور اضافه شد. در ابتدا بخاطر کمبود و نداشتن حداقل امکانات چون کفش و لباس، ما البسه و کفش های اسرا را مصادره می کردیم. بعدها فیدل این کار را ممنوع کرد.

پرزیدنت مانو کیلاس خود را بلند کرده و پیشنهاد نمود پیکی به سلامتی فیدل صرف کنند

چه گوارا: در طول دوران جنگ چریکی، نیروهای ما از کمبود غذا رنج می بردند. از سوی دیگر ما سوءتغذیه معنوی نیز داشتیم. به عبارت بهتر ما به کتاب و نشریات دولتی دسترسی نداشتیم.

نخست وزیر چوئن لای: زمانی که پرزیدنت مانو درگیر جنگ چریکی بود، بارها افرادی را برای تهیه روزنامه و نشریات به مناطق شهری می فرستاد.

پرزیدنت مانو: مطبوعات رژیم منبع خبر و اطلاعات مهمی می باشند. روزنامه های دشمن اغلب تحرکات و برنامه های نیروهای رژیم را درج می نمایند. دریافت، مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل آنها خیلی مهم می باشد. ما انقلاب را با چند هزار نفر شروع کردیم. سپس تعداد نفرات ما به ده هزار و

بعدا به سیصد هزار افزایش یافت. در این مرحله ما به بیماری چپ روی دچار شدیم. بعد از راه پیمایی بزرگ، تعداد نیروهای ما از ۳۰۰ هزار تن به ۲۵ هزار تن کاهش یافت. دشمن ترسی از ما نداشت. زمانی که ژاپنی ها به کشور ما تجاوز نمودند، ما خواهان همکاری با چیانگ کای شک شدیم. در مقابل سیاست ما، چیانگ اعلام داشت که می توانیم با وی همکاری نمائیم و از آنجا که تعداد نیروهای ما بسیار تقلیل یافته بود، او دیگر ترسی از ما نداشت. او با اتخاذ چنین سیاستی، امیدوار بود که نیروهای ژاپنی ما را در عرصه نظامی از پای در آورند. اما وی به هیچ وجه فکر نمی کرد که بعد از رویارویی نظامی ما با متجاوزین ژاپنی، نیروی ما از ۲۵ هزار تن به یک میلیون و چند صد هزار تن افزایش یابد. وقتی که بعد از شکست و تسلیم ژاپنی ها، ۴ میلیون نیروی نظامی چیانگ علیه ما وارد عمل و دست به تعرض زدند، ما یک میلیون نیروی مسلح در اختیار داشتیم. همچنین پشت جبهه قوی و از حمایت توده ای یکصد میلیون نفری برخوردار بودیم. در مدت ۳ سال و نیم جنگ، ما توانستیم نیروهای چیانگ را درهم کوبیده و شکست دهیم. در آن ایام، جنگ ما دیگر جنگ پارتیزانی نبود. جنگ ما جنگی گسترده بود. همان طور که شما در مقاله تان اشاره نموده اید، جنگنده های هوایی، توپ ها، تانک ها و تمام امکانات و ابزار آلات جنگی دشمن نتوانستند نقش حیاتی و تعیین کننده در صحنه نبرد ایفاء نمایند. چیانگ همه چیز در اختیار داشت و ما در تمام زمینه ها با کمبود روبه رو بودیم. سالها بعد ما توانستیم در طول جنگ چندین توپ از دشمن به غنیمت بگیریم.

نخست وزیر چوئن لای: در طی سالهای پایانی جنگ، ما همچنین توانستیم چندین تانک دشمن را مصادره کنیم.

پرزیدنت مائو: توپ های جنگی مهمترین سلاحی بودند که ما توانستیم از نیروهای دشمن به غنیمت بگیریم. به لطف این غنائم ما توانستیم لشکرهای توپخانه، تیپ های توپخانه و هنگ های توپخانه را تشکیل دهیم. همه این غنائم نظامی ساخت آمریکا بودند.

نخست وزیر چوئن لای: بعد از آزاد سازی پکن، ما یک رژه نظامی ترتیب دادیم. همه سلاح های به نمایش گذاشته شده در این رژه، ساخت آمریکا بودند.

آن موقع، آمریکائیان هنوز به کشور خود بازنگشته بودند. کنسول عالی آمریکا و کاردار نظامی این کشور جزو مهمانان مراسم بودند.

چه گوارا: در آغاز جنگ، نیروی تحت فرماندهی من از حد یک گروهان تجاوز نمی کرد. در آن ایام، ما توانستیم یک فقره تانک را به غنیمت بگیریم. ما از بدست آوردن این غنیمت جنگی بسیار خوشحال بودیم. اما فیدل خواست این غنیمت گرانبها را از گروهان ما بگیرد. من از این تصمیم وی بسیار ناراحت بودم. بالاخره بعد از دریافت چند فقره بازوکا، به اجرای تصمیم وی گردن نهادم.

پرزیدنت مانو: هر چند که جنگنده های هوایی دشمن هر روز در آسمان پرواز می کنند، اما آنها نمی توانند تلفات مهمی بر نیروهای پارتیزانی وارد آورند. پارتیزان ها با پوشیدن لباس های ویژه می توانند خود را استتار و از دید آنها پنهان سازند. در این رابطه لباس های سبز رنگ می توانند کارآیی بهتری داشته باشند. همه شماها یونیفرم بر تن دارید. شما همه نظامی هستید؟

چه گوارا: رودریگز (معاون وزیر امور خارجه) نظامی نیست. در دوران جنگ های پارتیزانی وی در زندان تحت فشار و شکنجه بود.

پرزیدنت مانو: شما (خطاب به رودریگز) خیلی جوان به نظر می رسید.

رودریگز: من ۲۵ سال دارم.

پرزیدنت مانو: شما (خطاب به مورا و سونول) نظامی می باشید.

چه گوارا: پدر مورا در طی جنگ های پارتیزانی جاودانه شد. سونول سه بار در طی درگیری زخمی گردید. من نیز دوبار زخمی شدم. رودریگز نیز در زندان تحت شکنجه قرار گرفت. در آغاز، تعداد ما بسیار اندک بود. حتی فیدل نیز سلاح در دست، در درگیری ها شرکت می کرد. ما در مجموع بیش از ۱۲ نفر نبودیم.

پرزیدنت مانو: شما در آغاز حدودا ۸۰ نفر نبودید؟

چه گوارا: نیروهای ما به مرور کاهش یافتند. تا این که بالاخره تعداد ما به ۱۲

نفر رسید.

پرزیدنت مائو: و این ۱۲ نفر مثل بذر می باشند. دمای هوا در کشور شما مناسب است؟

چه گوارا: به طور متوسط ۲۲ درجه.

پرزیدنت مائو: شما زمین های مناسب، خوب و حاصل خیز دارید.

چه گوارا: در مجموع اکثر زمین های ما قابل کشاورزی هستند. شما می توانید در مناطق شنی، درخت نارگیل بکارید. اما کشت و زرع در مناطق کوهستانی کمی مشکل است.

پرزیدنت مائو: پس بنابر این کشور شما می تواند حداقل تا ۳۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد.

چه گوارا: در جزیره جاوه واقع در اندونزی، نزدیک به ۵۰ میلیون نفر زندگی می کنند.

پرزیدنت مائو: شما باید از ژنرال فلوخنسیو باتیستا و ما نیز باید از چیانگ کای شک سپاسگزار باشیم. این دو دیکتاتور با قتل و کشتار توده های مردم، راه مبارزه را به ما نشان دادند.

آلبرتو مورا: ما از باتیستا سپاسگزاریم. چرا که وی با ادامه سیاست استبدادی خود، هر روز توده های بیشتری را برای پیوستن به ما تشویق نمود.

پرزیدنت مائو: ما استاد و معلم دیگری نیز داریم: امپریالیسم آمریکا. او آموزگار دائمی ماست. بهترین آموزگار ما امپریالیسم آمریکا می باشد. شما نیز دو آموزگار داشتید: باتیستا و امپریالیسم آمریکا. اگر اطلاعات من درست باشد، باتیستا هم اکنون در آمریکا بسر می برد. آیا وی امید و اندیشه بازگشت به کوبا و تصاحب مجدد پست ریاست جمهوری را در سر می پروراند؟

چه گوارا: امروز، طرفداران باتیستا، به ۵ گروه مجزا تقسیم می شوند. هر کدام از این گروه ها، کاندیدای خود را برای رهبری و تصاحب پست باتیستا دارند. این کاندیداها نقطه نظرات گوناگونی دارند. بعضی از آنها باتیستا هستند. و بعضی نظراتی مشابه وی دارند.

پرزیدنت مانو: آنها رقیب باتیستا نیستند. او چند سال دارد؟

چه گوارا: ۶۰ سال.

پرزیدنت مانو: چیانگ ما هم اکنون ۷۴ سال دارد و بامداد هر روز با آرزوی بازگشت به پکن چشم می کشاید.

مورا: سابقا همه این ۵ کاندیدا، رهبران احزاب مختلف کوبایی بودند. ما اسامی آنها را می دانیم و آنها نیز امیدوارند روزی به کوبا بازگردند.

چه گوارا: آنها ۴، ۵ روز بعد از پیروزی ما، آمریکای مرکزی را به قصد کوبا ترک گفتند. این جماعت بیخبر از پیروزی انقلاب ما، اعلام نموده بودند که برای سرنگونی باتیستا می آیند.

پرزیدنت مانو: در میان کشورهای گوناگون واقع در آمریکای مرکزی، به عقیده من برای انقلاب، جمهوری دومینیکن مستعدتر از دیگر کشورهاست. در آنجا مردم علیه تروخیو متحد هستند.

چه گوارا: وضعیت دشواری است. تروخیو قدیمی ترین و باسابقه ترین دیکتاتور آمریکای لاتین بشمار می رود. آمریکائیان نیز در فکر کنار گذاردن وی می باشند.

پرزیدنت مانو: آمریکائیان علاقه ای به وی ندارند؟

چه گوارا: همه مردم وی می باشند. به همین خاطر نامبرده می باید جایگزین شود.

نخست وزیر چونن لای: همانند نگودین دیم رهبر ویتنام جنوبی و ایسونگمن ری رهبر کره جنوبی.

پرزیدنت مانو: هم اکنون نگودین دیم از همه نق نقوتر است.

نخست وزیر چونن لای: زندگی یک «جاش و خودفروش» چندان هم آسان نیست.

پرزیدنت مانو: امروز، آمریکائیان علاقه ای به حفظ چیانگ ندارند. ما به وی علاقه مندیم. آنهایی که ۱۰۰ درصد طرفدار آمریکائیان هستند، بدتر از چیانگ

می باشند. وی ۹۹ درصد طرفدار آمریکائیان است. او خواهان حفظ ریشه و اصل و نسب خود می باشد.

نخست وزیر چوئن لای: این مسئله دیالکتیکی است.

فرمانده سونول: من فکر می کنم شما منتظرید که چیانگ به چین بازگردد.

پرزیدنت مائو: اگر او با ایالات متحده قطع رابطه کند، ما می توانیم جایی در دولت مان برای وی در نظر بگیریم.

نخست وزیر چوئن لای: چه بهتر که در صورت بازگشت، تایوان را نیز با خود بیاورد.

پرزیدنت مائو: هر چند که چندان رغبتی به بازگشت ندارد.

منبع: آرشیو وزارت امور خارجه چین

شماره ۰۱-۰۰۰۹۸-۲۰۲ ص ۱ تا ۱۴